



جایگاه و نقش تلبس در اخلاق کنشگری روحانیت: لباس پیامبر و لباس پیامبری

پدیدآورنده (ها) : اسلامی تنها، علی اصغر

اخلاق :: نشریه مطالعات اخلاق کاربردی :: زمستان ۱۴۰۰، سال یازدهم - شماره ۶۶ (علمی-ترویجی/ISC)

صفحات : از ۱۷۳ تا ۲۰۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1876146>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- رویکردی کیفی به معنویت و نقش آن در اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت از نگاه روحانیون
- رسالت روحانیت در دنیای جدید؛ تحول در نقش و جایگاه تاریخی و اجتماعی حوزه در عصر انقلاب اسلامی
- نقش اخلاق اجتماعی پیامبر (ص) با کفار و مشرکان در گسترش دین اسلام
- نقش اخلاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ترویج حقوق شهروندی
- بررسی و تبیین پیش‌نیازهای دانشی و مهارتی در ارتقای اخلاق کنشگری روحانیت
- نقش و تاثیر سکوت در شکل‌گیری اعمال حقوقی و جایگاه آن در ادله اثبات با رعایت اخلاق حسنه
- نقش و جایگاه رویکرد اخلاق حرفه‌ای در معلمان
- جایگاه اخلاق حقوقی و نقش آن در کاستن از آسیب‌های اخلاقی قضات
- نقش و جایگاه عقل در اخلاق از منظر فارابی
- جایگاه و نقش قلب در اخلاق عرفانی

جایگاه و نقش تلبس در اخلاق کنشگری روحانیت: لباس پیامبر و لباس پیامبری علی اصغر اسلامی تنها*

چکیده

لباس روحانیت شیعه، در جامعه ما به تدریج شکلی متمایز و هویتی نمادین یافته است. پرسش از جایگاه و نقش این لباس در اخلاق کنشگری روحانیت، دغدغه اصلی این جستار است. بازشناسی هویت، کارکردها، هنجارها و مسائل اخلاقی تلبس، مبتنی بر روش تحلیلی-تاریخی نشان داد که انتساب نمادین و تاریخی آن به پیامبر اسلام ﷺ، مطلوبیت دینی این نوع تلبس و ماهیت نمادین آن (که دلالت بر نقش اجتماعی روحانیت و هویت ارتباطی این نقش دارد)، موجب شده این لباس، نه تنها لباسی دینی و مقدس تلقی شود، بلکه همان گونه که در فرهنگ عمومی کنشگران شیعی مشهور است، از جایگاه «لباس پیامبر» و «لباس پیامبری» و پیام‌رسانی دینی برخوردار شود. بازشناسی کارکردها و هنجارها و مسائل اخلاقی تلبس به لباس پیامبر و پیامبری از دیگر نتایج این جستار است.

کلیدواژه‌ها

لباس روحانیت، روحانیت شیعه، اخلاق کنشگری، لباس رسمی، لباس پیامبر، لباس پیامبری.

*استادیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشکده فرهنگ و علوم اجتماعی رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.
islamitanha12@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲





می‌فرماید: "جامعه اسلامی مادام که مردان آن عمامه بر سر داشته باشند، گمراه نخواهد شد". این حدیث در حالی که نمادین و سمبولیک است، به خوبی اهمیت عمامه را که یکی از زیباترین پوشش‌های سر در جهان است، نشان می‌دهد. بر سر گذاشتن عمامه به یک معنا کنایه از این است که باید گردن فراداشت و از وظیفه‌ای که به عنوان خلیفه خدا بر دوش انسان است، غافل نبود. مشکل می‌توان با بر تن داشتن لباس‌های سنتی اسلامی، لادری یا ملحد بود؛ زیرا این لباس‌ها در واقع، به معنای ظهور یا اظهار این وظیفه روحانی است که انسان نماینده خداوند بر روی زمین است، کنار گذاشته شدن لباس‌های سنتی اسلامی، همچون ازدست رفتن معماری و بافت شهری سنتی اسلامی، به معنای ضایعه و خسروانی بزرگ برای تمامیت و جامعیت تمدن اسلامی است که مسلمین از ابتدای تاریخ اسلامی در بطن و آغوش آن زیسته و تنفس کرده‌اند» (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲).

ملاحظه هر دو منظر، گواه آن است که در جهان انسانی، لباس توانسته با همه عناصر فرهنگ از جهان‌بینی، ارزش‌ها، تاریخ، سیاست، اقتصاد و زیست‌بوم پیوند یابد و هویت نمادین پیدا کند. اگر لباس پوشیدن به منزله یک فعل انسانی و کنش اجتماعی دارای خصلت نمادین است، پس می‌توان از الگوها، هنجارها، آداب و رسوم، معنا و کارکرد آن پرسید؟

این پرسش درباره لباس‌های خاص و رسمی (مثل لباس نظامیان، لباس پزشکان و لباس روحانیان)، به دلیل موضوعیت و تأثیرگذاری آن، اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا لباس فرم تأثیر روان‌شناختی شگفت‌انگیزی دارد. بسته به جایگاه و نقشی که لباس بر آن دلالت دارد و زمینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن نقش در جامعه می‌تواند هیجان‌هایی از امید، غرور و احترام گرفته تا ترس، عصبانیت و نفرت را به وجود آورد. به همین دلیل است که در این نوع پوشاک قواعد تلبس در قالب اعطا و خلع لباس تجلی یافته و هویت مشروعیت‌بخشی و تنبیه و مجازات را دارد.

دانش‌آموختگان علوم دینی پس از دوره فراگیری عمومی معارف دینی در



حوزه‌های علمیه، غالباً در پوششی متمایز از مردم به «لباس روحانیت» درمی‌آیند. این تمایز در فرایندی تاریخی تحقق یافته است؛ به گونه‌ای که امروزه از این لباس متمایز با عنوان لباس سازمانی روحانیت یاد می‌شود.

برخی از پژوهشگران معاصر به بازشناسی این لباس که در پویایی اجتماعی خود، هویت نمادین یافته و به نشانه تمایزبخش تبدیل شده است (اسلامی تنها، ۱۳۹۱) توجه نشان داده‌اند؛ عالم‌زاده نوری، در دو اثر پژوهشی «لباس روحانیت؛ چراها و بایدها» (۱۳۸۷) و «درآمدی بر زی طلبگی با رویکرد اخلاقی» (۱۳۹۳)، به معرفی لباس و فواید و مسائل تلبس و هنجارهای رفتاری ملبسین پرداخته است.

شعبانی فرد نیز مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری را در مراسم عمامه‌گذاری، در قالب کتاب «تاج آسمانی» منتشر کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). مهدی مسائلی نیز ضمن معرفی لباس در فصل سوم کتاب خود، آداب و مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی لباس روحانیت را بررسی کرده است (مسائلی، ۱۳۹۸).

نگارنده نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانش‌آموختگان حوزوی به لباس روحانیت» (اسلامی تنها، ۱۳۸۹) و در مقاله «لباس روحانیت به مثابه دال سیاسی در ایران» (همو، ۱۳۹۱) به بررسی ابعاد اجتماعی و سیاسی این لباس پرداخته است. سمیه شهباز نیز در مقاله مستخرج از پایان‌نامه ارشد خود به بازشناسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش جامعه به لباس، در تجربه زیسته همسران طلاب پرداخته است (شهباز بروجنی، ۱۳۹۷). ضمن بهره‌مندی از نتایج این مطالعات، پرسش اساسی این جستار آن است که جایگاه و نقش این لباس متمایز با توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی تقویم خود در کنشگری اجتماعی روحانیت معاصر شیعه چیست؟ نگارنده تلاش دارد با اتخاذ رویکرد تحلیلی و تاریخی در مسیر پاسخ‌گویی به این پرسش گام بردارد.



۱- چيستی‌شناسی لباس روحانیت شیعه؛ عناصر تشکیل‌دهنده

آنچه امروز لباس روحانیت نامیده می‌شود، از چند جزء تشکیل می‌شود و «لباس رسمی و متمایز» علمای شیعه است که در حقیقت لباس سازمانی و معرفت‌سمت، جایگاه و نماد و نشان نقش اجتماعی آن‌ها در جامعه است. این لباس سازمانی از اجزاء و عناصر متعددی تشکیل شده است که به دو دسته کلی عناصر اصلی شامل عبا، قبا و عمامه (لباده نیز نوعی قبا است) و عناصر فرعی شامل نعلین، تسبیح، عطر، انگشتر، شال کمر و گردن تقسیم می‌شود. لباس روحانیت، بدون وجود عناصر اصلی کامل نیست و در صورت وجود آن‌ها ولو هیچ کدام از عناصر فرعی وجود نداشته باشد، اطلاق تلبس به لباس روحانیت صحیح است؛ از این رو، فقط به معرفی عناصر اصلی لباس روحانیت می‌پردازیم.

۱-۱. عمامه

عمامه، قطعه پارچه‌ای است که بر سر بسته می‌شود و مهم‌ترین بخش لباس روحانیت است؛ زیرا بر مهم‌ترین عضو بدن (یعنی سر) قرار می‌گیرد. سر آدمی نماد روح، تفکر و شخصیت است؛ لذا آنچه بر سر (والا ترین قسمت بدن) می‌نهند بیشترین و مهم‌ترین معنا را دارد (شهشهانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱). واژه «عمامة» به دو معنی آمده است؛ زیرا هم معرف یک عمامه کامل است (به معنی عرقچین یا عرقچین‌ها با قطعه پارچه‌ای که به دور آن پیچیده می‌شود) که این عمامه کامل، «عمّة» نیز نامیده می‌شود و هم فقط به معنای قطعه پارچه‌ای است که چندین بار به دور عرقچین یا عرقچین‌ها پیچیده می‌شود (دُزی، ۱۳۵۹، ص ۲۸۸؛ ينول، ۱۹۹۲ م، ص ۳۳).

ازهری در «تهذیب اللغة» و ابن منظور در «لسان العرب»، وجه تسمیه آن را فراگیری و حُسن پوشاندگی سر می‌دانند (الأزهری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ص ۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۹: ص ۴۰۴). برخی عمامه را نشان بزرگی و سیادت می‌شمارند؛ همان گونه که عجم تاج بر سر می‌گذاشت، عرب نیز عمامه بر سر می‌نهاد و شعار «عمامه،



تاج عرب است» مشهور بود و عرب قبل از اسلام نیز با عمامه متمایز می‌شد (احمد علی، ۲۰۰۳م، ص ۲۱۲). عمامه بعد از اسلام نیز نشانه اعراب بود و رنگ‌های مختلفی داشت (همان، ص ۲۱۳). علمای اسلام طی تاریخ به تأسی از سبک پوشش نبوی ﷺ از عمامه استفاده کرده‌اند. شرط نیست که عمامه از جنس خاصی باشد. حجم آن نیز بسته به افراد مختلف تفاوت می‌کرده است. دزی نقل می‌کند که «مسلمانان عموماً و فقیهان خصوصاً اندازه عمامه را معرّف درجۀ احترام خود می‌دانند» (دزی، ۱۳۵۹، ص ۲۸۹). امروزه در ایران نیز علما و روحانیون به تبعیت از سیره اهل بیت ﷺ عمامه بر سر می‌گذارند (سادات از عمامۀ سیاه و دیگران از عمامۀ سفید استفاده می‌کنند).

۱-۲. قبا

قبا، نوعی تن‌پوش مردانه است که ایرانیان و اعراب با اندک تفاوت‌هایی بر تن می‌کردند و امروزه تن‌پوش بیشتر روحانیان شیعه است. قبا از ریشۀ «قبو» به معنی «الضم والجمع» است. ابن منظور در معنی قبا می‌نویسد: «این لباس به‌خاطر جمع شدن دو طرف آن، قبا نامیده می‌شد» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ص ۱۶۸). نقل شده که قبا، لباسی است که روی لباس‌های دیگر می‌پوشند و در سفر و جنگ برای اینکه حرکت با آن راحت‌تر است، استفاده می‌شده است. پوشیدن قبا در زمان حضرت محمد ﷺ معمول بوده است (فارس‌الجمیل، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۶؛ دزی، ۱۳۵۹، ص ۳۳۳).

۱-۳. عبا

عبا یا عبایه نیز نوعی روپوش بلند و جلو باز است که ظاهراً به مردان اختصاص ندارد. ازهری می‌نویسد: «عبا نوعی لباس گشاد با خطوط سیاه رنگ است» (الأزهری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ص ۲۳۵). فارس‌الجمیل از رصافی نقل می‌کند که «أن العباءة كساء من



صوف مفتوح من قدام یلبس فوق الثیاب» (فارس الجمیل، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۱). عبا، لباسی جلوباز از جنس پشم بوده و روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شده است. طبق این معنی، عبایه در عصر رسول الله ﷺ به عبایه‌ای که زنان و مردان امروز در برخی نواحی می‌پوشند و از مقطعات لباس است، شباهت زیادی داشته است. دُزی نیز آن را روپوش کوتاه و جلوبازی می‌داند که آستین ندارد، ولی سوراخ‌هایی در آن تعبیه شده که دست‌ها را از آن می‌گذرانند (دزی، ۱۳۵۹، ص ۲۷۴).

با مرور مطالب بالا و مشاهده سبک پوشش امروز روحانیت شیعه، می‌توان گفت عمامه، قبا و عبای روحانیت شیعه هم‌نام و هم‌گون با وصف تاریخی این لباس‌ها در منابع لغوی و تاریخ پوشاک مسلمانان است.

۲- جایگاه‌شناسی لباس روحانیت؛ از لباس پیامبر تا لباس پیامبری

تلبس به لباس روحانیت شیعه که امروزه بخشی از سبک زندگی دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه شیعه است، از نظر تاریخی، در تاریخ و فرهنگ اسلامی، آداب پوشش و نوع پوشش بزرگان دین - یعنی اهل بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام ﷺ ریشه دارد. این لباس شامل عبا، قبا و عمامه می‌شود و از نظر شکل و رنگ، شباهت بسیاری به نحوه پوشش اهل بیت علیهم‌السلام دارد. به همین دلیل است که در فرهنگ شیعی ایرانیان، از آن با عنوان «لباس پیامبر» یاد می‌شود. این نام‌گذاری از یک سو، جایگاه برجسته این لباس را در زیست جهان ادراکی و تاریخی انسان شیعی را به‌خوبی نشان می‌دهد و از سوی دیگر، انتظارات و نقش متوقع آنان را از ملبسان به آن هویدا می‌کند؛ نقشی در استمرار «پیامبری» با هویت «پیامبری».

۲-۱. لباس روحانیت؛ لباس دینی و لباس پیامبر

در مطالعات اجتماعی دین، در کنار موضوعاتی چون آیین‌ها، الگوهای رفتاری، مکان‌ها، زمان‌ها و اشیای دینی، از بعضی لباس‌ها به‌عنوان لباس و پوشاک دینی یاد



می‌شود. وولمر (Vollmer) ذیل مدخل «پوشاک دینی در مشرق» در دایرةالمعارف دین، ویراسته میرچا الیاده (Mircha Eliade) با بیان این نکته که سنن دینی مشرق، هم دربرگیرنده فرقه‌هایی است که بر آیین‌های گروهی تأکید اساسی دارند و هم شامل فرقه‌هایی است که آداب دینی آنان دارای ماهیتی خصوصی‌تر و انفرادی است، می‌نویسد:

«این تقسیم‌بندی در شیوه پوشش آنان - پوششی که خود، سبب پیش‌برد بعضی از مفاهیم اعتقادی است - تأثیر می‌گذارد. در جوامعی که فردی روحانی، به‌منزله واسطه‌ای میان خدا و انسان عمل می‌کند، اغلب آیین‌ها یا نمایش گونه‌های همگانی توصیه شده است. در این گونه مراسم، از پوشش‌هایی خاص استفاده می‌شود که پیشوای دینی را به‌صورت فردی متمایز و برجسته نشان می‌دهد. از سوی دیگر، هنگامی که اعمال دینی به‌شکلی از پیش تعیین‌شده و فرادا انجام گیرد، اگر هم فردی روحانی حضور داشته باشد، کمتر درگیر تظاهرات همگانی است؛ ازاین‌رو، پوشش، نقش چندان آشکار ندارد و لباس رسمی در کار نیست» (وولمر، ۱۳۹۷، ص ۴۷۲). او درباره اسلام نیز معتقد است: «چون پیشوای مذهبی یا امام در اسلام وظیفه میانجی‌گری میان خدا و خلق را بر عهده ندارد، در اسلام لباس رسمی برای علما وجود ندارد» (همان، ص ۴۸۲).

البته دینی بودن لباس در چنین وضعیتی منحصر نیست؛ چراکه ادیان اگر توصیه‌هایی درباره پوشاک داشته باشند (به‌گونه‌ای که لباس خاصی را متعین کنند)، می‌توان از آن به «لباس دینی» تعبیر کرد.

دین مبین اسلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را اسوه و الگوی مؤمنان در تمام شئون حیات معرفی کرده ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب، ۲۱) و دوری از سیره انبیا را از سفاهت دانسته است ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ﴾ (بقره، ۱۳۰). بنابراین، قرآن کریم به پیروی از سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله تصریح کرده است تا مؤمنان، این سیره را محور زندگی خود قرار دهند و هرچه بیشتر به



شاخص‌های رفتار فردی و اجتماعی او نزدیک شوند. از سوی دیگر، علمای دین، وارثان انبیا معرفی شده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶-۳۴۷). لذا علمای دین به‌خاطر جایگاه خاصی که دارند، باید در تأسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و الگوگیری از سیره رفتاری حضرت، از عموم مؤمنان پیش‌تر باشند. یکی از ابعاد سنت نبوی، چگونگی لباس پوشیدن حضرت بوده است؛ به همین دلیل، در روایات توصیه شده است که از لباس پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کنید؛ «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: البسوا ثياب القطن فإنه لباس رسول الله و هو لباسنا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۲۸).

البته محققان در باب پوشاک و لباس پیامبر اکرم بر اساس منابع مختلف تاریخی، فقهی، ادبی، حدیثی و... که اشاراتی داشته‌اند، لباس‌های معمولی پیامبر را شامل عبا، قبا، ردا، بُرد، عمامه، نعلین، کمر بند و عصا می‌دانند (حسنلو، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲؛ چیت‌ساز، ۱۳۷۹، ص ۲۱). فارس‌الجمیل در کتاب ارزشمند «لباس در عصر رسول صلی الله علیه و آله» می‌نویسد: «با توجه به گزارش انس بن مالک، "حَبْرَة" لباس مورد علاقه حضرت و ظاهراً مهم‌ترین جامه ایشان بود» (فارس‌الجمیل، ۱۴۱۵ق، ص ۷۶). حبره، ردایی نسبتاً بلند و گشاد بود که تقریباً تمام بدن را می‌پوشاند و از جنس کتان بافته شده بود و چون در «حَضْرَمُوت» یمن تهیه می‌شد به جامه «حضر می» نیز شهرت داشت. این حبره، سفید با راه‌راه‌های عمودی سرخ مات (تقریباً قهوه‌ای)، لباس رسمی پیامبر بود و ایشان با همین لباس، نمایندگان قبایل مختلف را به حضور می‌پذیرفت (چیت‌ساز، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

پیامبر، ردای دیگری نیز از جنس پشم (بُرد یمانی) داشتند که آن را بیشتر در اعیاد و مراسم مذهبی همچون روزهای جمعه و اعیاد قربان و فطر می‌پوشیدند و آن ردایی بلند و گشاد بود با راه‌راه‌های سرخ مات (قهوه‌ای) و سیاه. افزون بر این دو، پیامبر بُرد یمانی سبزی نیز داشتند که راه‌راه‌های عمودی سفید داشت (حضر می) و پیامبر صلی الله علیه و آله این بُرد را هنگام خواب بر تن می‌کردند. این همان جامه‌ای است که



حضرت علی علیه السلام در شبی که به جای پیامبر در بستر ایشان خوابید، به تن کرد. همچنین، پیامبر لباس های دیگری نیز داشتند؛ از جمله کسای معروف «شرطی» که نوعی ردا به رنگ سیاه و از جنس پشم بود، ردایی بحرانی، ردایی زرد، ردایی کاملاً سفید و «جبه ای» شامی (رومی) که هنگام عزیمت به غزوه تبوک بر تن داشتند (همان، ص ۲۳).

درباره پوشش سر نیز آن حضرت عمامه های متعددی داشتند. عمامه اصلی آن حضرت، عمامه ای سیاه از بُرد یمانی بود. حضرت این عمامه را هنگام خطبه خواندن برای مردم و در بعضی از فتوح خود چون فتح مکه بر سر داشتند. این عمامه را که ظاهراً نامش «حرقانیه» بود، بعدها به حضرت علی علیه السلام بخشیدند و حضرت آن را در نبرد صفین بر سر بست. پیامبر صلی الله علیه و آله عمامه دیگری نیز داشتند به نام «سحاب» (ابر) که ظاهراً سفید بود. همچنین عمامه ای داشتند به نام «قطریه» از پارچه های معروف قطر که نوعی از بُرد یمانی (نیم بُرد) بود با راه راه های سیاه و قهوه ای. از دیگر عمامه های آن حضرت، عمامه ای زرد بود که آن را با «وَرَس» و «زعفران» رنگ می کردند (همان جا). گزارش های تاریخی ای درباره کلاه و عرقچین، عبا، پیراهن، ازار، سراویل (شلوار)، جبه، قبا و حتی جنس، رنگ، و اندازه لباس حضرت نیز وجود دارد (حسنلو، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹-۱۱۳).

در روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر، عمامه خود را بر سر حضرت علی علیه السلام گذاشت و از آن با عنوان «تاج فرشتگان» یاد کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۵۸). عبدالله بن سلیمان نیز نقل می کند که امام زین العابدین علیه السلام وارد مسجد شد، در حالی که عمامه ای سیاه که طرفین آن بین دو کتف رها شده بود، بر سر داشت.

یاسر خادم و ریان بن صلت نیز درباره نماز عید امام رضا علیه السلام نقل می کنند که ایشان برای برگزاری نماز عید شرط کردند که همانند رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، برای اقامه نماز از شهر خارج شوند و مأون اجازه داد و به همه



دستور داد به سمت خانه حضرت حرکت کنند. هنگام طلوع آفتاب، امام غسل کرد و عمامه‌ای سفید از کتان بر سر بست و یک سر آن را بر سینه رها کرد و سر دیگر را به پشت و میان دو شانه انداخت. سپس، عصای خود را به دست گرفت و در حالی که سروال خود را تا نصف ساق پا بالا زده و پایین لباس‌های بلند خود را بالا آورده و به کمر زده بود، به راه افتاد (همان، ص ۵۶).

با توجه به اینکه پس از خلفای راشدین، در دوران بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس، لباس‌های ساده جای خود را به لباس‌های تجملی و رنگارنگ داده بودند و خلفای اموی و عباسی عمامه‌های خود را با اشیا و تزیینات دیگر ترصیع و تزیین می‌کردند، تأکید امام رضا علیه السلام بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و عمل بر طبق آن، نشان می‌دهد پوشش عالم دین و حاکم اسلامی دارای اهمیت خاصی است. درباره حضرت حجت علیه السلام نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که: «وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی بن ابی طالب علیه السلام را می‌پوشد و به سیره او عمل می‌کند» (همان، ص ۱۷).

۲-۲. لباس روحانیت؛ لباس دینی، لباس تقوی

افزون بر آنکه تشبیه و تشابه به لباس و نقش پیامبر، معنای قدسی و مقدس بودن آن را نشان می‌دهد، این لباس را «لباس دینی» نیز می‌توان دانست؛ به این معنا که توصیه شده و مطابق با هنجارهای موردانتظار دینی است. قرآن کریم در آیه ۲۶ سوره اعراف به موضوع لباس اشاره کرده و لباس مطلوب قرآنی را لباس تقوا دانسته است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ﴾.

مفسران قرآن کریم در تفسیر معنی «لباس تقوا» معتقدند مقصود از آن، لباسی است که از حیث نوع، بافت، شکل و وضع مبتنی بر تقوای الهی است و آنچه پوشاندن آن واجب و ضروری است، پوشاندن و آنچه خداوند، اظهار و زینت دادن آن را دوست دارد، آراسته و آشکار کند. بدیهی است چنین لباسی باید همه شرایط



فقهی لباس را داشته باشد؛ یعنی غصبی یا دارای حق غیر نباشد، از پوست میته و حیوانات درندگان گوشت خوار نباشد، نجس یا متنجس غیر معفو نباشد و ساتر باشد. افزون بر این، لباس تقوا لباسی است که صاحبش را از بدی کردن و بدشدن در دنیا و آخرت باز می‌دارد؛ مثل لباسی که انسان برای احرام حج یا عمره فراهم می‌کند یا برای نمازهای یومیه و نماز شب و نمازهای مستحب آماده می‌کند (العدنانی، ۱۹۹۹م، ص ۲۰۴-۲۰۷).

در منابع روایی بر استحباب پوشیدن عبا و عمامه (به عنوان اجزا و لباس روحانیت) تأکید شده است. در روایتی بر پوشیدن عمامه و عبا به ویژه در حال امامت و خطبه جمعه سفارش شده است؛ «قال أبو عبد الله عليه السلام: ينبغي للامام الذي يخطب الناس يوم الجمعة أن يلبس عمامة في الشتاء والصيف و يتردى ببرد يمني أو عدني» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ص ۳۴۱).

سلیمان بن خالد می‌گوید: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل أمّ قوما في قميص ليس عليه رداء فقال لا ينبغي إلا أن يكون عليه رداء أو عمامة يرتدي بها» (همان، ج ۴: ص ۴۵۲).

در منابع روایی بر استحباب بر سر گذاشتن عمامه و استفاده از آن به ویژه در نماز تأکید شده است؛ لذا از مجموع شواهد روایی می‌توان استفاده کرد که لباس روحانیت که عمامه و عبا از اجزای اصلی آن است، استحباب شرعی دارد. دو رکعت نماز با عمامه از چهار رکعت نماز بدون عمامه بهتر است (همان، ج ۵: ص ۵۷).

درباره آثار و برکات عمامه نیز آمده است:

«اعتَمُوا تَزَادُوا حِلْمًا؛ عمامه بر سر کنید تا بردباری‌تان زیاد شود»، «العمامة من المروءة؛ عمامه از جوانمردی است» و «العمامة تيجان العرب إذا وضعوا العمام وضع الله عندهم» (همان‌جا).

با ملاحظه این توصیه‌ها می‌توان گفت لباس روحانیت به هر دو معنا لباس



تقواست؛ یعنی نه تنها شرایط عمومی لباس، بلکه از نظر نوعی و شکلی نیز مطلوبیت دینی دارد و مبتنی بر تقواست. افزون بر آن، این لباس به دلیل پوشاندگی کامل برجستگی‌های بدن، فرد را از بسیاری از حرکات و رفتارهای زننده باز می‌دارد؛ به‌طوری که می‌توان این لباس را از مصادیق روشن «لباس تقوا» در معنای دوم شمرد. شکل عمومی این لباس در همان نگاه اول، زیبایی همراه باوقار و عظمت و قداست را می‌نمایاند و به‌نوعی عناوین مقام بندگی را می‌رساند.

به همین دلیل است که سیره و اجماع عملی فقها و علما و بزرگان شیعه بعد از غیبت کبرای امام عصر علیه السلام بر پوشیدن لباس روحانیت (عمامه، قبا و عبا) بوده است. آنان همان عمامه ساده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تاکنون حفظ کرده‌اند و بر سر می‌گذارند. در بین عالمان دین کمتر کسی را می‌توان یافت که عمامه بر سر ننهد و قبا و عبا بر تن نکرده باشد. با پوشیدن لباس منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام، افتخار سربازی امام عصر را رسماً اعلان می‌دارند و خود را آماده خدمت این آستان معرفی می‌کنند؛ البته باید توجه داشت که اگر از لباس روحانیت به‌عنوان لباس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام یاد می‌شود، به این معنا نیست که آن بزرگواران همین عمامه و قبا و عبا را به سبک امروزی آن داشتند، بلکه مقصود از این سخن، اصل این نوع پوشش و وابستگی نمادین این لباس علاوه بر شباهت ظاهری می‌باشد. لذا تعظیم این لباس نیز بزرگداشت یکی از شعائر الهی به شمار می‌رود.

۲-۳. لباس روحانیت؛ لباس اجتماعی و سازمانی

بسیاری از نقش‌های اجتماعی در جامعه با لباس‌های فرم مخصوص همراه است. لباس فرم پلیس نشانه کسی است که به‌واسطه نوع لباسی که بر تن دارد، فردیت خود را کنار گذاشته و عامل اعمال قدرت برای دستگیری مجرمان و برقراری نظم و هماهنگی است. لباس فرم پزشک نیز نشانه کسی است که صلاحیت تشخیص و درمان بیماری‌ها را دارد. اما لباس متمایز روحانیت نشانه چیست؟ لباس روحانیت



شیعه با ترکیب خاص خود در یک بستر تاریخی-فرهنگی به یک لباس متمایز و رسمی تبدیل شده است (اسلامی تنها، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

ملبس شدن به ثیاب روحانیت شیعه با توجه به تاریخ آن، به جز تمثیل به پیامبر اسلام ﷺ حاکی از صلاحیت فرد برای ایفای نقش و کارکردهایی خاص است و این لباس نماد آمادگی برای ایفای همین نقش‌هاست؛ از این رو، امروزه رابطه لباس و نقش اجتماعی روحانیت به اندازه‌ای نزدیک است که هر کس این لباس را بر تن داشته باشد، در افکار عمومی به عنوان روحانی شناخته می‌شود. این نقش‌ها، وظایف و کارکردها از چهار مورد زیر بیرون نیست:

۱- تعلیم و ترویج دین؛

۲- تعلیم و تعلم دینی؛

۳- صیانت و دفاع از دین؛

۴- هدایت و اجرای مناسک دین.

همه این موارد چهارگانه هویت ارتباطی دارند؛ لذا می‌توان گفت جوهره وجودی روحانیت، ارتباطی است (شجاعی زند، ۱۳۸۸، ص ۲۵). در حقیقت، لباس فرم روحانی، نماد وابستگی او به یک ایده و رسالت و فرهنگ و نشان از آمادگی برای انجام یک نقش ارتباطی است.

این لباس نشانه فردی است که به واسطه لباس نمادینی که بر تن دارد، وظیفه «دین‌شناسی» و «متدین‌پروری» را در جامعه دارد. این لباس به روحانی این موقعیت را داده که گفته‌ها و عملکرد او به واسطه تثبیت مرجعیت روحانیت در تفسیر و تبیین پیام دین، حجت شرعی و مقبول مردم تلقی شود و در فرهنگ نهادینه و امور روزمره جامعه حضور یابد.

در گفتگوهای مذهبی و بین‌الادیان، در پرسش‌های بسیط و عمیق، دیدگان جامعه به دست صاحبان این لباس معطوف و از ایشان نظر نهایی طلبیده می‌شود. تولید، توزیع و ترویج معرفت دینی و تلاش برای تحقق فرهنگ دینی، وظایف

روحانیت هستند که باید به خوبی عهده‌دار آن‌ها باشند. این وظایف و خدمات گواه نقش ارتباطی، یعنی نقش سنگین «پیام‌بری» روحانیت است.

۳- کارکردشناسی لباس روحانیت؛ لباس نقشی و لباس پیام‌بری

با توجه به جایگاه دینی و اجتماعی لباس روحانیت، بدیهی است که این لباس آثار و کارکردهای گسترده‌ای داشته باشد و تلبس به آن دارای شرایط و قوانین خاصی باشد و صلاحیت‌های خاصی را مطالبه کند. البته امکان‌ها و محدودیت‌ها و مسائل خاصی را نیز برای ملبسان به آن ایجاد می‌کند.

۳-۱. لباس پیام‌بری؛ شرایط، صلاحیت‌های علمی و اخلاقی و قوانین تلبس

امروزه لباس روحانیت، نماد دین شناخته می‌شود. مردم به صاحبان این لباس به‌عنوان الگوهای عملی چشم دوخته‌اند و انتظارات فراوانی از آنان دارند؛ از این رو، افراد قبل از پوشیدن این لباس باید از جایگاه، اهمیت، ارزش و شرایط پوشیدن آن آگاه باشند و تکلیف‌ها، محدودیت‌ها و مشکلات راه را به خوبی بشناسند و با دیدی باز به پوشیدن این لباس اقدام کنند. طلبه‌ای که لباس روحانیت را بر تن می‌کند، باید به پوشیدن مداوم و دوری از دوگانه‌زیستی و هر آنچه منجر به هتک حرمت و ارزش این لباس می‌شود، متعهد گردد و با استمداد از خداوند متعال و توجهات امام عصر^{علیه السلام} در پاسداری از شئون آن تمام تلاش خود را مبذول دارد. زمانی مناسب است طلبه اقدام به پوشیدن لباس کند که انجام وظیفه و رضایت خداوند را در رأس اهداف خود قرار دهد و از شرایط زیر به‌طور نسبی برخوردار باشد:

الف) شرایط اعتقادی و علمی

۱- اعتقاد و ایمان صحیح به اصول و ضروریات دین:

طلبه‌ای که در حوزه علمیه درس می‌خواند، باید به اصول دین معتقد باشد و خود را





پاسدار ارزش‌های دینی و اسلامی بداند. امام حسن عسکری علیه السلام در وصف عالمان بدکار می‌فرماید:

«زیان آن‌ها برای شیعیان ناتوان ما از زیان سپاه یزید برای حسین بن علی علیه السلام و یارانش بیشتر است؛ زیرا آن‌ها جان و مال ایشان را گرفتند و این علما... در دل شیعیان ناتوان ما، شک و شبهه می‌اندازند و گمراهشان می‌کنند» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۶، ص ۴۵۵).

۲- توانمندی علمی:

طلبه‌ای که به لباس روحانیت درمی‌آید، از نظر علمی باید دست کم این ویژگی‌ها را داشته باشد: اتمام سطح آموزش عمومی حوزه، آشنایی با شبهات اساسی و عام روز و پاسخ‌های آن‌ها، آشنایی با آیات و فنون صحیح قرائت قرآن، آشنایی با احکام مورد ابتلا و شیوه‌های پاسخ‌گویی و شناختی متوسط از معارف اسلامی.

ب) شرایط اخلاقی و رفتاری

۱- رعایت تقوای الهی و ساده‌زیستی:

کسی که به لباس روحانیت ملبّس می‌شود، جایگاه ویژه‌ی در اجتماع می‌یابد و مردم به گونه‌ای دیگر به او می‌نگرند. رفتار و اعمال یک روحانی بیش از دیگران در چشم مردم است و آنان این لباس را لباس انبیا و اولیا می‌دانند و از صاحبان آن، انتظارات ویژه‌ای دارند؛ از این رو، طلبه‌ای که قصد پوشیدن لباس روحانیت را دارد، از نظر اخلاقی و رفتاری باید نسبت به مردم عادی، سطحی ممتاز و برتر داشته باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«الورع حسن ولكن في العلماء أحسن» و از امام علی علیه السلام نقل شده است: «رأس العلم التميز بين الأخلاق و إظهار محمودها و قمع مذمومها» (همان، ص ۳۷۸-۳۷۹).

۲- رعایت شئون روحانیت (در رفتار، گفتار و منش):

برای حفظ حرمت و شأن لباس روحانیت، به جز رعایت تقوای عمومی، مواردی وجود دارد که روحانی باید آن‌ها را نیز رعایت کند، اهم این موارد عبارت‌اند از: داشتن وقار و متانت، پرهیز از کارهای خلاف مروت، اهتمام به شعائر مذهبی (نماز اول وقت، نماز جمعه، نماز جماعت، زیارت، قرائت قرآن و...)، داشتن تواضع و پرهیز از ادعاهای واهی معنوی، اخلاقی، عرفانی و علمی، برخورداری از حسن سابقه و مقبولیت اجتماعی (در محیط زندگی و حوزه و در میان دوستان)، رعایت آداب فردی (لباس پوشیدن، غذا خوردن، خوابیدن، نظافت و...)، رعایت آداب اجتماعی و احترام به قوانین اجتماعی و توانمندی در برقراری ارتباط سازنده و معاشرت با مردم (آداب سخن گفتن و...).

ج) شرایط جسمی و روانی

برخورداری از سلامت و تناسب جسمی و روانی، یعنی مبتلانی بودن به بیماری‌های واگیردار و لاعلاج یا هر گونه اختلالات جسمی و روانی که روحانی را از انجام وظایف تبلیغی و ارتباط با مردم بازدارد یا موجب تنفر مردم از او شود.

د) قانون‌گذاری تلبس

باید توجه داشت که طلاب با احراز شرایط بالا، اقدام به تلبس به لباس روحانیت کنند و پیش از کسب شرایط علمی و عملی لازم از ملبس شدن پرهیزند. مسئولان حوزه هم باید بر این امر، نظارت جدی داشته باشند. شهید مطهری سال‌ها پیش در این باره نوشت:

«یکی از نواقص دستگاه روحانیت، آزادی بی‌حد و حصر لباس روحانیت است.

تدریجاً روحانیون از لحاظ لباس با دیگران متفاوت شده‌اند و لباس مخصوصی پیدا کرده‌اند؛ همچنان که سپاهیان و نظامیان و برخی اصناف دیگر نیز لباس مخصوص





دارند، در تشکیلات روحانی - برخلاف سایر تشکیلات - هرکسی بدون مانع در رادع می‌تواند از لباس مخصوص آن استفاده کند. بسیار دیده می‌شود که افرادی که نه علم دارند و نه ایمان، به منظور استفاده از مزایای این لباس به این صورت درمی‌آیند و موجب آبروریزی می‌گردند» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۴۴).

بی‌تردید طلبه ناآگاه یا رشدنیافته، بیش از دشمنان آگاه توطئه‌گر در تضعیف نهاد روحانیت و بربادرفتن اعتبار حوزه تأثیر دارد. مشاهده چنین شخصیتی در این لباس موجب می‌شود هر باور نادرست و خلق ناپسند و کار ناشایستی، نه به حساب شخص، بلکه به حساب دین نوشته شود. به این ترتیب، معنای نمادین لباس روحانیت تحریف و تداعی معانی آن منصرف می‌شود (نوری، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

بر همین اساس و با توجه به گستردگی حوزه‌های علمیه و ضرورت نظارت بر چگونگی ملبس شدن طلاب ارجمند و ایجاد وحدت رویه و اطمینان از حصول شرایط اولیه پوشیدن لباس روحانیت، شورای عالی حوزه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۳ شرایط پوشیدن لباس روحانیت و چگونگی احراز این شرایط را در مصوبه ۳۴۷ معین کرد.

این مصوبه در ۱۳۸۹/۱۲/۲۰ پس از بازنگری، در قالب مصوبه ۷۴۵ آیین‌نامه جدید تلبس ارائه شد. هدف این مصوبه، سازمان‌دهی، رسمیت‌بخشی، حفظ و حراست از قداست لباس روحانیت و تشویق و ترغیب طلاب به تلبس اعلام شد (مسائلی، ۱۳۹۰، ص ۷۶-۸۰).

۲-۳. لباس پیام‌بری؛ آثار و کارکردها در کنشگری ارتباطی

لباس روحانیت یک نماد است؛ نمادی از یک صنف و نشانی از یک نقش اجتماعی. لذا این نماد هم آثاری برای شخص اجتماعی که ایفاگر آن نقش است، دارد و هم کارکردهایی برای حلقه اجتماعی آن نقش و جامعه‌ای که برای تأمین بخشی از نیازهای خود به چنین نقشی نیازمند است.



۳-۲-۱. لباس روحانیت به عنوان یک میان‌بر ذهنی:

افراد از روی ظاهر دیگران در جستجوی اطلاعاتی درباره آن‌ها هستند. لباس، اطلاعات مهمی درباره پیشینه افراد ارائه می‌کند و همچون میان‌بر ذهنی در تشخیص جنسیت، منزلت اجتماعی، عضویت گروهی، مشروعیت اقتدار و شغل و نقش اجتماعی فرد عمل می‌کند. لباس روحانیت نیز اولاً راهی سریع و ساده برای شناخت و مراجعه به افرادی است که توان پاسخگویی به نیازهای دینی مردم را دارند و ثانیاً با توجه به ضوابط و قوانین درون سازمان روحانیت تنها کسانی که توان ایفای نقش روحانیت را دارند (در بیشتر موارد)، ملبس به این لباس‌اند؛ لذا دو شرط لازم برای موفقیت میان‌برهای ذهنی در لباس روحانیت وجود دارد.

۳-۲-۲. لباس روحانیت و تصور قالبی از روحانیت:

لباس فرم باعث ایجاد تصورات قالبی درباره منزلت اجتماعی، اقتدار، نگرش و انگیزه‌های فرد می‌شود. تصورات قالبی همانند چارچوب‌های شناختی دیگر، تأثیر فراوانی بر نحوه پردازش اطلاعات شناختی ما دارند؛ اولاً باعث سرعت پردازش اطلاعات مربوط به یک تصور قالبی می‌شود، ثانیاً شخص را وادار می‌کند به نوع خاصی از اطلاعات که با تصورات قالبی متناسب است، بیشتر توجه کند و ثالثاً زمینه نادرست شمردن یا انکار اطلاعات ناسازگار با تصورات قالبی را فراهم می‌کند. لباس روحانیت همانند لباس فرم نقش‌های اجتماعی دیگر، موجب ایجاد تصور قالبی درباره افراد صاحب این لباس می‌شود؛ به گونه‌ای که همه افراد یگ گروه را در نگرش‌ها و رفتارها مشابه تصور کنیم و انتظارات یکسانی از آن‌ها داشته باشیم.

۳-۲-۳. لباس روحانیت و تداعی ارزش‌ها برای صاحب لباس و دیگران:

لباس روحانیت نماد نقش اجتماعی روحانیت است و نقش اجتماعی روحانیت ادامه نقش اجتماعی - الهی انبیا و اولیا در تبلیغ ارزش‌های الهی است. این لباس به دلیل



همراهی همیشگی تاریخی با دانشمندان و شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام، بندگان شایسته، فقیهان نامدار، عارفان متأله و عالمان مجاهد که جایگاه جانشینی پیامبران را دارند، تداعی کننده یاد همه آن رادمردان است. این لباس تداعی گر این گروه و ارزش‌هایی است که آن‌ها با دل و جان برگزیده و در راه آن فداکاری کرده‌اند.

۳-۲-۴. اعلام آمادگی برای ایفای نقش اجتماعی روحانی:

این لباس، لباس عالم دین است؛ یعنی کسی که با پوشیدن این لباس اعلام آمادگی برای ایفای نقش اجتماعی در تبیین، تبلیغ و تحقق اهداف دینی می‌کند. روحانی با پوشیدن این لباس برای انجام خدمات اجتماعی به همه حلقه اجتماعی خود در حوزه انتظارات مشروع از موقعیت اجتماعی روحانیت، اعلام آمادگی می‌کند. همان‌گونه که پزشک، پلیس یا راننده تا کسی هر کدام با استفاده از نماد ویژه‌ای هویت نقشی و نوع خدمات اجتماعی خود را اعلام می‌کنند، روحانی نیز به‌عنوان یک شخصیت اجتماعی با این نماد، نقش و نوع خدمات اجتماعی دینی خود را به حلقه اجتماعی خود ابراز می‌کند.

۳-۲-۵. اعلام حضور و پویایی نهاد دین:

این لباس، اعلام موجودیت فرهنگ دینی در جامعه و نشانی از حیات و حضور نهادین و اندیشه‌های اصیل نشأت گرفته از آن است. تعداد و زیاد روحانیون، نمایانگر حساسیت‌ها، علاقه‌ها، آرزوها و باورهای مردم است و طرز فکر لایه‌های باطنی جامعه را آشکار می‌سازد.

اهمیت و عظمت دین در استقبال اعضای جامعه از سازمان‌های منسوب به دین و نمادهای آن آشکار می‌شود. این استقبال به دو صورت موجب پویایی بیشتر دین می‌شود؛ از یک سو، با تأمین نیروی انسانی بیشتر، رسالت‌های روحانیت بهتر



انجام می‌پذیرد و از سوی دیگر، با تشویق غیرمستقیم دیگران (از طریق لباس). لذا می‌توان گفت رابطه‌ای مستقیم بین کثرت روحانیون و افزایش اهمیت و پویایی دین وجود دارد.

۶-۲-۳. القای ناخودآگاه حقانیت (هم‌نوایی اطلاعاتی افراد جامعه با ارزش‌های دینی):

جمعیت فراوان روحانی در یک منطقه به خودی خود استدلالی نامرئی بر حقانیت این مسیر است؛ زیرا افراد به خود می‌گویند: اگر این ارزش‌ها ناحق بود این جمعیت به آن گرایش نداشتند و از مبلغان آن این گونه استقبال نمی‌کردند و روحانیون نیز با لباس متمایز به تبلیغ ارزش‌های دینی نمی‌پرداختند. هرچند این استدلال موجب حقانیت منطقی نیست، ولی بیشتر مردم کثرت افراد و رأی و داوری آن‌ها را بر نظر خود ترجیح می‌دهند (هم‌نوایی اطلاعاتی) و ناخودآگاه با جمع هم‌نوا می‌شوند. لذا اگر یک پدیده، نادر باشد، زمینه طرد آن بیشتر است؛ ولی اگر فراوان باشد، مردم کثرت آن را دلیل بر حقانیت آن تلقی می‌کنند. بنابراین، مردم کثرت وجود روحانی را دلیل بر حقانیت ارزش‌های دینی تلقی می‌کنند.

۷-۲-۳. قداست ذاتی لباس و بهره‌مندی از عنایات ویژه معنوی:

عنایات‌های ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام به طلاب و علما که داستان‌های آن در منابع و کتاب‌های سرگذشت بزرگان دینی وجود دارد، شاهدی بر قداست این لباس و عنایات و بهره‌های معنوی است که در سایه تلبس به این لباس برای طلبه فراهم می‌شده است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

۳-۳. لباس پیامبری: آداب، وظایف و مسائل اخلاقی

۱-۳-۳. آداب و وظایف اخلاقی تلبس

لباس روحانیت، مثل لباس عمومی و عادی نیست. لباس روحانیت، لباس مبلغان دین

- ۸- اجتناب از سوءاستفاده از لباس روحانیت؛
 ۹- احراز صلاحیت‌های علمی و عملی لازم و اخذ مجوز قانونی تلبس (مسائلی، ۱۳۹۸، ص ۵۵-۸۱).

۳-۲. مسائل اخلاقی و رفتاری لباس روحانیت

طلاب در تلبس به لباس روحانیت با برخی مسائل نگرشی، اخلاقی و رفتاری مواجه‌اند. مهم‌ترین این مسائل عبارت‌اند از:

الف- افراط در احراز شرایط تلبس:

برخی از طلاب در احراز شرایط تلبس دچار افراط می‌شوند و با این ادعا که از یک سو، طلبه مصون از خطا نیست و از سوی دیگر، مسئولیت سنگین این لباس، واهمه شدیدی در دل‌ها ایجاد می‌کند، از تلبس اجتناب می‌کنند. در حقیقت، طلبه‌ای که به این علت از پوشیدن لباس نمادین نقش اجتماعی خود امتناع می‌کند، تعریف درونی‌اش از موقعیت اجتماعی، بسیار آرمانی و متعالی است.

او نقش اجتماعی روحانیت را ادامه نقش اجتماعی انبیا و اولیای الهی می‌داند، اما ممکن است این ذهنیت متعالی از واقعیت فاصله بگیرد و به تدریج با پرهیز طلاب از پوشیدن لباس روحانیت، این نقش اجتماعی دچار بحران ایفای نقش شود. بدون شک، طلبه برای ایفای نقش روحانی باید شرایط علمی و عملی لازم را احراز کند و با داشتن نصاب شرایط علمی و عملی که در واقع همان نقش مقرر اجتماعی روحانی است (که محیط اجتماعی و حلقه اجتماعی روحانی برای او تعیین کرده است)، ملبس شود.

آشنایی با عقاید، احکام و اخلاق دینی و توان پاسخگویی به نیازهای حلقه اجتماعی (که البته با توجه به شرایط منطقه و حلقه اجتماعی روحانی، متفاوت است)، نصاب شرایط علمی و التزام به واجبات و ترک محرمات، نداشتن نقص





ریاکاری، احساس حقارت یا خجالت، توهم نگاه اعتراض آمیز دوستان و آشنایان و عواملی از این دست، از به کارگیری این نماد پرهیز می کنند.

در تحلیل اجتماعی این علت می توان گفت فردی که می خواهد به عنوان شخص اجتماعی، موقعیتی را اشغال کند باید به آن موقعیت افتخار کند و از آن رضایت داشته باشد. امتیازات اجتماعی ملازم با موقعیت اجتماعی را در نظر بگیرد و دست به انتخاب بزند. کسی که به دلایل روان شناختی چون شرم، ترس و احساس خجالت یا حقارت از این نماد استفاده نمی کند، در حقیقت ارزیابی مثبتی از موقعیت اجتماعی روحانیت ندارد و در تعریف ذهنی خود از این نقش، آثار روان شناختی مذکور را ملازم می بیند؛ لذا از آن اجتناب می کند.

د) اعتقاد به عدم ضرورت اجتماعی:

برخی معتقدند ایفای نقش مقرر اجتماعی دانش آموخته گان دینی یعنی شناخت دین، تبلیغ آن به مردم و تلاش برای تحقق اهداف دین، بدون داشتن لباس ویژه نیز امکان پذیر است و نیازی نیست که عالمان دین لباسی متمایز از دیگران داشته باشند؛ همانگونه که استادان دانشگاه های معارف دین که امر پژوهش، آموزش و تبلیغ دین را به عهده گرفته اند، تمایز پوشش را ضروری نمی دانند.

ه) احساس ترس یا محدودیت اجتماعی:

پوشیدن این لباس دشوار نیست، اما در آوردن آن بسیار سخت و بلکه ناممکن است. کسی که این لباس را به تن می کند، اگر به هر دلیل از ادامه راه پشیمان یا منصرف شود، از ترس اتهام خلع لباس و سنگینی نگاه مردم نمی تواند آن را کنار بگذارد.

افزون بر آن، پوشیدن این لباس موجب محدودیت می شود؛ بلندی لباس دست و پاگیر است و حرکت انسان را کند می کند و در سرما و گرما مشکل ساز

از اندازه آن، ناسازگاری رنگ قطعات لباس و کوتاه‌تربودن عبا از قبا یا لباده، زیبایی این لباس و نوع پوشش را کم می‌کند.

البته در مقام جمع‌بندی باید گفت مسائل تلبس و علل ملبس‌نشدن طلاب، محدود به این موارد نیست؛ اما مهم‌ترین موارد بی‌رغبتی به ملبس‌شدن یا انگیزه‌های احتمالی آن، در این موارد وجود دارد.

البته همه این موارد را که برخی جزو علل شناختی و برخی جزو علل انگیزشی است، می‌توان با ارائه و تبیین درست جایگاه این نماد دینی، اهمیت و اصالت دینی آن و فواید آثار فردی و اجتماعی آن برطرف و با برنامه‌ریزی درست، طلاب را به ملبس‌شدن ترغیب کرد.



نتیجه‌گیری

هدف ما در این مقاله فهم جایگاه و نقش تلبس در کنشگری روحانیت در جامعه اسلامی بود. مطالعه تحلیل تاریخی نشان داد که لباس روحانیت در جامعه ما به تدریج شکلی متمایز و هویتی نمادین یافته است. مطلوبیت دینی این نوع تلبس در کنار انتساب نمادین و تاریخی به پیامبر اسلام ﷺ، نه تنها آن را در جایگاه لباسی دینی قرار داده، بلکه آن گونه که در فرهنگ عمومی کنشگران شیعی مشهور است، باید این لباس را «لباس پیامبر» دانست. در عین حال، هویت نمادین آن در دلالت بر نقش اجتماعی روحانیت، هویت ارتباطی این نقش و آثار و کارکردهای متنوع لباس به گونه‌ای است که می‌توان لباس روحانیت شیعه را لباس ارتباطی و «لباس پیام‌بری» و پیام‌رسانی دینی دانست.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. احمد علی، صالح (۲۰۰۳م)، المنسوجات و الألبسة العربیة فی العهود الاسلامیة الأولى، بیروت: شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.
۴. الأزهری، محمد (۱۴۰۸ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. اسلامی تنها، اصغر (۱۳۸۹)، بررسی جامعه شناسختی نگارش دانش آموختگان حوزوی به لباس روحانیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام.
۶. اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۱)، «لباس روحانیت شیعه به مثابه دال سیاسی در ایران معاصر»، علوم سیاسی، ش ۶۰، ص ۱۰۹-۱۳۳.
۷. بینول، ا. (۱۹۹۲م)، اللباس و الزینة فی العالم العربی، بیروت: شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.
۸. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۴)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۰. حسنلو، امیرعلی (۱۳۹۲)، پوشش و تغذیه در سیره معصومان علیه السلام قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، تاج آسمانی؛ رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در جشن های عمامه گذاری طلاب، تدوین م. شعبانی مفرد، قم: پاد اندیشه با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. دُزی، راینهارت (۱۳۵۹)، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸)، «روحانیت و موقعیت جدید»، شیعه شناسی، سال ۷، ش ۲۷، ص ۲۳۱-۲۶۴.





۱۴. شهباز بروجنی، سمیه (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش نسبت به لباس در تجربه زیسته همسران طلاب»، فرهنگ پژوهش، ش ۳۶، ص ۹۱-۱۲۲.
۱۵. شهشهانی، سهیلا. (۱۳۷۴)، تاریخچه پوشش سر در ایران، تهران: مدبر.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۸۷)، لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۸. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۹۳)، درآمدی بر زی طلبگی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
۱۹. العدنانی، الخطیب (۱۹۹۹م)، الملابس و الزینة فی الاسلام، بیروت: مؤسسة الانتشار العربی.
۲۰. فارس الجمیل، محمد (۱۴۱۵ق)، اللباس فی عصر الرسول دراسة مستمرة من مصادر الحديث النبوة الشریف، کویت: مجلس النشر العلمی.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۶)، العلم و الحکمة فی الکتاب و السنة، قم: دار الحديث.
۲۲. مسائلی، مهدی (۱۳۹۸)، لباس روحانیت؛ جامعه پیام‌بر، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۷)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسدی، تهران: نشر نی.
۲۴. وولمر، ج. ا. (۱۳۹۷)، «پوشاک دینی در مشرق»، در فرهنگ و دین: برگزیده مقالات دایرةالمعارف دین، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: طرح نقد.